



یادداشت

وعده (عفو) تان را باورکنیم یا محکومیت های دسته جمعی را

صادق کار



روز گذشته شورای هماهنگی تشکلهای فرهنگی ایران با انتشار دوگزارش جداگانه خبر از تداوم سرکوب فعالین این تشکل داد. در خبر اول به حمله ماموران امنیتی به مجمع فوق العاده شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگی ایران در سه شنبه ۲۵ شهریور ۱۴۰۴، در شهرضا و بازداشت همه ی شرکت کنندگان در آن اطلاع رسانی شده بود، و خبر دوم مربوط به محکومیت ۸ فعال صنفی در دادگاه تجدید نظر به زندان و جریمه های نقدی در کرمان بود. قبل از آن نیز سندیکای واحد با انتشار اعلامیه ای نسبت به در زندان نگه داشتن داود رضوی از رهبران سندیکا اعتراض کرده بود. اینها البته مشتی از خروار هستند، رسانهای مجازی پر هستند از اسامی فعالین مدنی و سیاسی و قومی، ملی و مذهبی که همه روزه بازداشت یا محاکمه می شوند و حتی اموال بعضی آنان به دلیل عقاید دینی و مذهبی شان مصادره و ملاخور می شوند.

این اعمال در شرایطی صورت می گیرند که آزادی زندانیان سیاسی و عقیدتی به یکی از مطالبات گروه های وسیعی از جامعه تبدیل شده و رژیم را تحت فشار قرار داده است. رژیم متقابلا تلاش می کند با توسل به فریب و نیرنگ و دادن وعده (عفو) مشروط تعدادی از زندانیان را که اساسا بدون اینکه مرتکب جرمی شده باشند با اتهامات واهی ساختگی به زندان محکوم شده اند، از فشارهای روز افزون برای آزاد کردن همه ی زندانیان با دادن وعده و ایجاد تفرقه طفره برود.

هفته گذشته ازهای رئیس قوه قضاییه و یکی از کسانی که در سرکوب و اعدام های حال و گذشته نقش کلیدی بر عهده داشته خبر از (عفو) تعدادی از زندانیان سیاسی به شرط محکومیت تجاوز اسرائیل و امریکا به ایران داد. اما در طول همین مدت بیدادگاه های تحت ریاست این جنایتکار تعداد دیگری از فعالین صنفی و مدنی و سیاسی، از جمله آنهایی را که قبل از انتشار وعده (عفو) و در آغاز تجاوز اسرائیل به کشور را رسماً و علناً محکوم کرده بودند داد. این فریبکاری ها البته مسبوق به سابقه است و کسی را بعد از تجربه اینگونه رفتارها در رژیم اسلامی نمی فریبد.



محکومیت ۸ فعال صنفی در دادگاه تجدید نظر، بر هم زدن جلسه معلمان در شهرضا و بازداشت مسعود فرهیخته یکی دیگر از فعالین سرشناس و خوش نام صنفی معلمان و در زندان نگه داشتن داود رضوی و سایر فعالین سندیکایی، مدنی و سیاسی و همچنین صدور حکم اعدام در دادگاه های در بسته و اعمال اقدامات خشونت آمیز علیه زنان زندانی همگی در تضاد با (وعده) ملوکانه قرار دارد. در واقع آنانی که باید از طرف زندانیان و خانواده های قربانیان تقاضای عفو نمایند، جنایتکارانی مانند خامنه‌ای، اژه‌ای و روسای بیدادگاه های رژیم و سایر سرکردگان فاسد دستگاه سرکوب هستند. مردم خواهان آزادی بی قید و شرط همه‌ی زندانیان سیاسی، توقف احکام اعدام های سیاسی و غیر سیاسی، رسیدگی به پرونده های متهمین واقعی به جاسوسی و همکاری با اسرائیل و سایر کشورها در دادگاه های علنی عادلانه و محاکمه و مجازات عاملان حکومتی کشتار ها و سرکوبها هستند

سومین سالگرد جنبش انقلابی زن، زندگی، آزادی و یاد جان باختگان و آسیب دیدگان و زندانیان جنبش را گرامی می داریم و دست آوردهای انقلابی و مترقیانه آن را ارج می نهیم و خود را متعهد و مکلف به محافظت از دست آوردها آن می دانیم!

اتحاد رمز پیروزی است!

متحد و متشکل علیه فقر و استبداد برای نان و آزادی!

تحول اندیشه در باره فقر: بررسی تعاملات بخش بیست و یکم

Lyn Squire و لین اسکوائر Ravi Kanbur نوشته راوی کانبور



۵ آسیب‌پذیری و صدا

۵.۲ مقابله با ریسک - ادامه



در مورد [نتایج] وام‌های گروهی شواهد متفاوتی وجود دارند. برخی از محققان شواهدی را از منافع قابل برآورد کرده‌اند که مصرف خانوار به ازای هر (Khandker) و خاندکر (Pitt) توجه به دست آورده‌اند. مثلاً پیت 100 تاکا (واحد پول بنگلادش، 1000 تاکا معادل 7 یورو است) وامی که به یک زن داده می‌شود، 18 تاکا افزایش می‌یابد، و به ازای هر 100 تاکا وامی که به یک مرد داده می‌شود، 11 تاکا افزایش می‌یابد. آنها همچنین شواهدی یافته‌اند مبنی بر این که دسترسی به اعتبار، توانایی خانوار وام‌گیرنده را در هموار کردن مصرف میان فصلها بهبود می‌بخشد. با این حال، شواهد دیگری وجود دارند که نشان می‌دهند افزایش چشمگیر مصرف عمدتاً در میان خانوارهای نسبتاً فقیر رخ می‌دهد که وام‌هایی بیشتر از اندازه آستانه‌ای را دریافت کرده‌اند. با استفاده از همان داده‌های خاندکر و پیت و اصلاح یک خطای احتمالی در گزینش‌هایی آنها، موردوخ هیچ افزایشی را در مصرف خانوار پیدا نمی‌کند، اما شواهدی را از هموارسازی مصرف به دست می‌آورد.

حتی اگر مزایای وام‌های گروهی محدود به هموارسازی مصرف باشد، این امر می‌تواند منجر به دستاوردهای بلندمدتی شود که در پیمایش‌های موجود ثبت نشده‌اند. همان‌طور که در بالا اشاره کردیم، توانایی در هموارسازی مصرف نه تنها به دلیل فایده فوری آن مهم است، بلکه به این دلیل نیز اهمیت دارد که می‌تواند به خانوارها کمک کند تا راهبردهای بلندمدتی را برای رهایی از فقر دنبال کنند، که در غیر این صورت بیش از حد پریسک از کار درمی‌آمدند. در این بافتار موضوع ارتباطات درونی میان اثرات مختلف یک سیاست نیز به شکل دیگری آشکار می‌شود. شواهدی وجود دارند دایر بر آن که مشارکت در برنامه اعتبارات خرد منجر به بهبود شاخصهای تغذیه و تحصیل کودکان می‌شود، و دسترسی به وام و اعتبار، اثری "توانمندساز" بر زنان وام‌گیرنده دارد، از این قرار که امکان آنان را برای کنترل جنبه‌های گوناگون زندگی شان تقویت می‌کند.

پس انداز ابزار دیگری برای هموارسازی مصرف به شمار می‌آید. هرچند بسیاری از طرحهای تامین مالی خرد بر گردآوری پس انداز تمرکز نکرده‌اند، اما اخیراً می‌توان برخی طرحهای موفق در این زمینه را سراغ گرفت. معرفی کرد که (SIMPEDES) در سال 1986 یک برنامه پس انداز به نام سیمپدس (BRI) بانک مردم اندونزی نرخ بهره اندکی داشت، اما برداشت از آن در هر زمان ممکن بود. این برنامه همچنین شامل نوعی "بخت آزمائی مجانی" بود که شانس برنده شدن در آن به میزان سپرده‌ها بستگی داشت. تا سال 1988، بیش از 4 میلیون خانوار فقیر در این برنامه شرکت داشتند و تعداد حسابداران فقیر در آن تا پایان سال 1996 به 16 میلیون بالغ شد. در نتیجه بانکمردم اندونزی در سال 1996 به منبعی نسبتاً ارزان از سرمایه به ارزش 3 میلیارد دلار دست یافت و خانوارها توانستند داراییهایی را انباشته کنند و مصرف خود را هموار سازند.

نوآوری مهم دوم، خودآشکاری اطلاعات است (نوآوری نخست همان وامدهی گروهی است، که در بالا و در بخش بیستم توضیح شده است. این نوآوری موجب کاهش قابل توجه هزینه‌های جمع‌آوری اطلاعات و تسهیل بازپرداخت شده است). این روش به طور مؤثر در طرحهای تضمین اشتغال استفاده شده است. برای مثال، در شیلی، یک برنامه بزرگ تضمین اشتغال در پی بحران بزرگ دهه 1980 بخشی از موفقیت خود را مدیون این بود که دستمزدها را به اندازه‌ای پایین تعیین کرد تا اطمینان یابد که نیازمندترین افراد، اصلیتین مشارکت کنندگان خواهند بود. یک پروژه بانک جهانی در آرژانتین در سال 1997 کار کم دستمزد در طرحهای اجتماعی در مناطق فقیر را ارائه داد، که بیش از نیمی از شرکت کنندگان در آن از فقیرترین 10 درصد جمعیت بودند. این نمونه‌ها و بسیاری نمونه‌های دیگر اکنون استدلال قانع‌کننده‌ای ارائه می‌کنند حاکی از آن که رویکرد اصلی مؤثر و ارزشمند بوده است.



مسئله اصلی در حال حاضر حول چگونگی پایین نگه داشتن هزینه های اداری و نحوه ایجاد تعادل میان خلق ثروت و دارایی از سوئی، و بیمه واطمینان می گردد. برنامه های تضمین اشتغال بیشترین بیمه را فراهم می آورند، اما ممکن است پربازده ترین درآمد و داراییها را به بار نیاورند

اتحاد، اعتراض، نبرد تا رهایی!

از مبارزه زنان علیه تبعیضات جنسی و برای برابری حمایت کنیم!

کمیته های اعتصاب را در کارخانه ها و ادارات تشکیل دهیم!

همه نگران آینده خود هستند

صادق



کارگران در شرکت گروه ملی فولاد ایران در اهواز قریب یک هفته است که در اعتراض بسر می برند. انگیزه اعتراض این بار پرداخت نکردن دستمزد مرداد ماه کارگران و همچنین نگرانی از تعطیلی بخش های از شرکت و افت تولید و از دست دادن شغل شان در صورت تداوم وضعیت کنونی است

نگرانی از بخطر افتادن شغل مختص کارگران این مجتمع بزرگ صنعتی نیست، یک پدیده عمومی است. که هر روز خبری از این نگرانی در لابلاي اخبار و گزارشهایی که در این خصوص در برخی روزنامه منتشر می شود ملاحظه می شود. اعتراض و اعتصاب غذای کارگران آلومنیوم اراک نیز بازتاب این نگرانی است. به جرات می شود ادعا کرد که این یک پدیده سراسری است که تنها برخی از اعتراضات علنی مربوط به آن در رسانه ها راه پیدا می کنند

شکی نیست که افت تولید در مقطع کنونی که کشور به تولید بیشتر نیاز دارد کمبود انرژی است و مقصر اصلی آن حکومت ناکارآمد و راهبردهای سیاسی آن است

اظهارات مقامات دولتی از زمان حاد شدن بحران برق و آب بر نگرانی های مردم، کارگران و تولید کنندگان می افزاید و چشم انداز تیره ای را ترسیم می کند



در چنین وضعیتی البته همه از تولید کننده و کارگر گرفته تا بقیه مردم هر یک به فراخور حال خود متضرر می شوند، قیمت کالاها بالا می رود، قدرت خرید تقلیل پیدا می کند و رکود اقتصادی تشدید می شود و کار و بار وارد کنندگان و دلالها رونق می گیرد و کارگران زیادی قدرت چانه زنی خود را از دست می دهند و عده زیادی از آنها شغل خود را از دست خواهند داد. در این میان اما بزرگترین بازنده این وضعیت کارگران هستند. سرمایه داران تولیدی درست است که بخشی از سود خود را بواسطه کاهش تولید از دست می دهند. ولی کارگران شغلشان را که وسیله تامین معیشت شان است از دست می دهند. بهمین جهت نگرانی کارگران به حق است، بخصوص زمانی که می بینند، سرمایه داران با سوء استفاده از شرایط موجود دستمزدهای کارگران را به موقع به آنها نمی دهند، بسیاری از مزایای شغلی کارگران را قطع می کنند و حتی از پرداخت حق بیمه کارگران به تامین اجتماعی طفره می روند. یعنی در واقع هم سرمایه داران و هم دولتمردان سعی می کنند ریشه حق و حقوق طبقه کارگر را که در اثر مبارزات فداکارانه و پرهزینه چند نسل طبقه کارگر کسب شده به بهانه بحرانی که خود بوجود آورنده آن بوده اند برکنند. برخورد با اعتراضات کارکنان رسمی صنعت نفت که ماه هاست شدت کم سابقه ای بخود گرفته و تقریباً روزی نیست که در یک یا چند شرکت نفتی اعتراضی انجام نگیرد نشانگر هم داستانی حکومت و سرمایه داران بخش خصوصی است. برخورد با اعتراضات، معلمان، بازنشستگان، پرستاران و گروه های شغلی مختلف نیز از همین قسم هستند. حکومت همچنین بخشی از این رویکرد اش نسبت به مزد و حقوقگیران را توسط دستگاه سرکوب خود پیش می برد. بنا بر اینها مراجعه به وزارت کار، مجلس، دیوان عدالت اداری که بعضی از عوامل حکومتی بعنوان راهکار سعی در القاء آن می کنند، چنان که به تجربه اثبات شده است اتلاف وقت است و ذره ای نتیجه برای کارگر در بر نداشته است. اساساً تا زمانی که این رژیم وجود داشته باشد نگرانی از تامین معیشت و آینده هم پا برجا خواهد بود. راهکار موثر و مفید متشکل و متحد شدن در تشکلهای مستقل و گسترش اعتراضات سازمان یافته برای رسیدن به مطالبات و فراتر از آن برچیدن بساط سلطه ستمگرانه عوامل نگرانی هاست. طبقه کارگر و مردم تهی دست هیچگاه در هیچ حکومتی بدون متشکل شدن در تشکلهای خاص خود از دام فقر و نگرانی رها نخواهند شد. باید متحد و متشکل شد هم برای امروز و هم برای فردا هایی که در راهند

تشکیلات دیگری برای سرکوب کارگران به تشکیلات قبلی اضافه شد!

ع امید



هفته گذشته، پروانه رضایی معاون روابط کار وزارت کار، تعاون و رفاه اجتماعی، در اظهارنظری در حاشیه افتتاح اولین مجتمع حقوقی حل اختلاف کارگری و کارفرمایی با اشاره به اینکه «این مجتمع حقوقی با همکاری موثر دیوان عدالت اداری و مراجع قضایی ایجاد شده» بیان کرده بود: حرکت تشکلهای کارگری و کارفرمایی باید به سمت صلح و توافق کارگر و کارفرما باشد تا از افزایش شکایات جلوگیری شود. ایجاد این



مجتمع گام ارزشمندی در راستای سازش و تقویت شیوه حل و فصل اختلافات کارگر و کارفرما بر این اساس است

مجامع حل اختلاف که معاون وزیر کار بعد از ۴۶ سال به فکر آن برای رفع اختلافات کارگری و کارفرمایی افتاده البته ابتکار تازه‌ای نیست. در رژیم پیشین نیز ساز و کار مشابه کم تشریفاتی بنام شورای حل اختلاف وجود داشت و وظیفه‌اش رفع اختلافات بر اساس قانون بود، یعنی مبنا داشت و وقتی کار به شوراهای حل اختلاف احاله داده می شد که کارفرما از پذیرش قانون طفره می رفت. آرای این شوراهای بواسطه نفوذ کارفرمایان در دستگاه های دولتی و دولتی بودن سندیکاها کارگری در نهایت اغلب به نفع کارفرماها داده می شد. حالا اما وضعیت از هر لحاظ از آن زمان بدتر است زیرا تشکلهای کارگری رسمی که حق حضور در این "مجتمع های حقوقی" را دارند مانند سندیکای گذشته حکومتی هستند و قانون کار فعلی به نسبت قانون کار گذشته با تغییراتی که در آن انجام گرفته یک جانبه تر است. نقش نهادهایی چون دیوان عدالت اداری و مراجع قضایی که در جانبدار بودنشان به سرمایه داران ذره ای جای تردید نیست، ماهیت این نهادها را یک جانبه تر می نماید. در واقع مقصود از تشکیل مجتمع حقوقی فرستادن کارگران پی نخود سیاه است.

شورای عالی کار برای هدف مشابهی تشکیل شده است و وظیفه‌اش اجماع و سازش میان کارفرمایان و کارگران از بالا است. نتایج کار این شورا تا کنون صد درصد به سود کارفرمایان و به زیان کارگران تمام شده است. وجود دستمزدهای زیر خط فقر یکی از نتایج این نهاد به اصطلاح سازش است. این در حالی است که نمایندگان قوه قضایی و دیوان عدالت اداری در شورای عالی کار حضور ندارند. بنا بر این حضور این دو نهاد بر خلاف اظهارات معاون وزیر کار بجای اینکه مثبت باشد منفی است و پیشگویی نتایج عملکرد چنین نهادی پیشاپیش روشن است. وانگهی با تشکیل این نهاد مشکل انبوه شکایات تنها از ادارات کار به این نهاد جدید منتقل می شود و تعداد شکایات کاسته نخواهد شد.

اما از اینها گذشته دلیل انبوه شدن شکایات کارگری ریشه در تغییرات به عمل آمده در قانون کار و امتناع کارفرمایان از رعایت ته مانده قانون کار، جانبداری بورکراسی حاکم بر این وزارتخانه از سرمایه داران و عدم پابندی وزارت کار به وظایفی که قانون برای آن معین نموده می باشد. ادارات کار اگر آنجا که اختلاف بر سر قانون شکنی و زورگویی کارفرماست به حکم وظیفه‌اش بایستند و رای ناحق ندهد، تعداد شکایات کاهش پیدا می کند.

جمهوری اسلامی در ساختن نهادهای موازی یدی طولانی دارد. دست بر قضا اولین نهاد موازی بامجلس بنام مجلس تشخیص مصلحت به فرمان خمینی برای حل اختلافاتی که بر سر قانون کار بین میر حسین موسوی و خامنه‌ای بوجود آمد تاسیس شد. این مجلس که در هنگام حیات خمینی جانب موسوی نخست وزیر را گرفت بعد از رهبری خامنه‌ای به نهادی برای تهی کردن قانون کار از محتوا تبدیل شد. در این دوران نهادهای حکومتی و جریان‌های دیگر قدرت نیز همگی از خاتمی و عارف اصلاح طلب تا موتلفه و حجتیه اقتدار گرا دست به هم دادند و همه قوانین و نهادهای حکومتی را در جهت بیشتر منافع سرمایه داران تغییر دادند و مقاومتها را سرکوب کردند. نهاد تازه تاسیس "مجامع حل اختلاف" نیز ارگانی است مشابه با همان اهداف است که وظیفه اصلی اش سرکوب مطالبات کارگران به شیوه‌ای دیگر است و سبب تشکیل آن مهار نارضایتی گسترده کارگران از حکومت و وزارت کار و افزایش دم افزون اعتراضات کارگری است.



در کشورهایی که نظام های دیکتاتوری به گور سپرده شده و فعالیت اتحادیه های کارگری به رسمیت شناخته می شود، اختلافات کارگری توسط اتحادیه های سراسری کارگری و کارفرمایی مورد مذاکره قرار می گیرد و توافق های به عمل آمده در قالب قراردادهای جمعی منعکس و اجرا می شوند. اما از آنجا که حکومت و سرمایه داران حاکم بر کشور حاضر به پذیرش حقوق سندیکایی کارگران نیستند و می خواهند خودشان یک طرفه همه ی تصمیمات را به نفع خودشان بگیرند، متوسل به تشکیل نهادهای فرمایشی می شوند. خیلی دور نرویم در همین یکی دوهفته اخیر ده ها اعتصاب و اعتراض کارگری با مطالباتی به حق و قانونی مانند اعتراض کارگران رسمی نفت، آلومینیوم اراک، فولاد اهواز انجام گرفته است. تا حالا کسی شنیده که وزیر کار یا هیچ مقام دولتی بیاید بگوید خواسته های معترضین قانونی است و باید مدیران و سرمایه داران آنها را تامین کنند؟ کارفرماهای زیادی چندین ماه است که حق بیمه کارگران شان را از حقوق آنها کم کرده اند، اما به حساب تامین اجتماعی آن را واریز نکرده اند. به نقل از پیامبر ادعا می کنند، که حقوق کارگر را باید قبل از خشک شدن عرق اش پرداخت کنند اما در عمل حقوق زحمتکشترین کارگران شهرداری ها را چندین ماه است پرداخت نکرده اند، یکی از علل اعتراض کارگران فولاد پرداخت نکردن حقوق مرداد است. این خانم مدیر اگر برای نمایش این پست را نگرفته چرا یقه عوامل این رفتارها را نمی گیرد و بجای آن وعده سرخرمن می دهد؟ شما اگر حق کارگر را بدهید شکایتی پیش نمی آید که روی هم تلنبار شوند. چند برابر شکایات تلنبار شده وزارتخانه شما و کارفرمایان ولی نعمت تان ستم بر کارگران روا داشته اید.



تداوم فشارهای امنیتی بر معلمان؛ صدور حکم ممنوع الخروجی برای محمد حسن پوره

محمد حسن پوره، معلم و فعال صنفی، که در تاریخ ۱۰ شهریور از زندان اوین آزاد شد، اکنون با محدودیت جدیدی روبه رو شده است. بر اساس ابلاغیه ای که از طریق سامانه ثنا دریافت کرده، وی از سوی شعبه ۱ اجرای احکام کیفری دادسرای عمومی و انقلاب ناحیه ۳۳ امنیت تهران با حکم ممنوع الخروجی مواجه شده است.

این اقدام تازه، نشان دهنده ادامه ی فشارهای امنیتی بر معلمان و فعالان صنفی است که حتی پس از آزادی نیز با محدودیت های غیرقانونی و سرکوبگرانه روبه رو می شوند



بیانیه کانون اسلامشهر در محکومیت یورش به جلسه شورای هماهنگی و دستگیری و بازداشت آقای مسعود فرهیخته



حاکمیت ادامه دشمنی خود را با معلم و تشکلهای صنفی معلمان این بار با حمله به جلسه شورای هماهنگی که در تاریخ ۲۵ شهریور ۱۴۰۴ در شهرضا برگزار شد نشان داد.

در این یورش همه شرکت کنندگان بلافاصله دستگیر شدند و وسایل الکترونیکی آنها ضبط گردید. در این میان همه معلمان تا عصر آزاد شدند ولی مسعود فرهیخته از اعضای کانون اسلامشهر همچنان در بازداشت نیروهای امنیتی است و احتمالاً برای گذراندن دوره‌ی سه‌سال‌ونیم زندان خود که پیشتر توسط دادگاه انقلاب کرج برای ایشان صادر شده بود راهی زندان خواهد شد.

مسعود فرهیخته از جمله معلمان آگاه و شجاع و دغدغه‌مند است که همواره در مبارزات صنفی خود بر اصل ۳۰ قانون اساسی تاکید داشته و دارد.

آموزش رایگان

تغذیه رایگان

ثبت‌نام رایگان

مدارس استاندارد

آموزش و پرورش علمی به دور از سیاست و مذهب

و بازگشت معلمان اخراجی به کار

از دغدغه‌های این معلم دلسوز است.

او در تمامی تلاش‌های خود چیزی فراتر از این هدف نرفته است، ولی قوه قضاییه او را به اتهام واهی اجتماع و تبانی علیه امنیت ملی به سه و نیم سال زندان محکوم کرده است و در حالی که او باید تا ۳۱ شهریور آزاد باشد، با هدف اصلاح اساسنامه به شهرضا رفته بود دستگیر شد.

کانون صنفی معلمان اسلامشهر ضمن محکوم کردن حمله به مجمع معلمان و دستگیری و بازداشت مسعود فرهیخته، خواستار آزادی این فعال صنفی و تمامی معلمان است.

کانون صنفی معلمان اسلامشهر اعلام می‌دارد که این رفتار حاکمیت هیچ تاثیری در روند مطالبه‌گری فعالان و کانون‌های صنفی ندارد.





تجمع اعتراضی کارگران رسمی شرکت نفت فلات قاره، سکوی فروزان، منطقه عملیاتی خاکی

یکشنبه ۳۰ شهریور ۱۴۰۴

کارگران در سکوی فروزان نیز در اتحاد با اعتراضات سراسری نفت دست به تجمع و اعتراض زدند. POGC، همچنین کارگران رسمی در نفت و گاز مناطق عملیاتی کنگان، عسلویه و سکوه‌های ۴۰ گانه، سازمان منطقه ویژه SPGC پالایشگاه‌های مجتمع گاز پارس جنوبی



تجمع اعتراضی بازنشستگان؛ فریاد علیه سرکوب، گرانی و بی‌عدالتی

امروز، یکشنبه ۳۰ شهریورماه ۱۴۰۴، تجمع اعتراضی مهم از سوی بازنشستگان در نقاط مختلف کشور برگزار شد.

کرمانشاه: بازنشستگان و فرهنگیان مقابل ساختمان تأمین اجتماعی تجمع کردند. آنان با حمایت از معلمان؛ بازداشتی، آزادی فوری آنها و توقف سرکوب تشکلهای مردمی را خواستار شدند. شعارهایی چون

«مسعود فرهیخته آزاد باید گردد»

«جنگ افروزی کافی است، سفره ما خالی است»

«تورم و گرانی؛ نه به جنگ و ویرانی»

فضای اعتراضی تجمع را شکل داد.

اهواز (فولاد خوزستان): بازنشستگان فولاد خوزستان خواستار اجرای کامل همسان‌سازی بر مبنای ۹۰ درصد شاغلان هم‌تراز شدند. آنان همچنین با انتقال به صندوق کشوری مخالفت کرده و رفع ابهام از وضعیت بازنشستگی خود را مطالبه کردند.



شعارهای بازنشستگان اهواز:

گرانی، تورم بلای جان مردم

نان گران، دارو گران، در حسرت یه لقمه نان

فقط کف خیابون بدست می‌آید حقمون

معیشت، منزلت، درمان رایگان حق مسلم ماست

آب - برق - زندگی، حق مسلم ماست

اهواز (تأمین اجتماعی): بازنشستگان تأمین اجتماعی نیز هم‌زمان با دیگر شهرها، مقابل اداره کل سازمان تأمین اجتماعی خوزستان تجمع کردند. آنان با سر دادن شعارهایی علیه گرانی، تبعیض و سرکوب، بار دیگر خواست‌های خود را فریاد زدند:

«جنگ‌افروزی کافیه، سفره ما خالیه»

«کارگر زندانی آزاد باید گردد»

«معلم زندانی آزاد باید گردد»

«معترض زندانی آزاد باید گردد»

رشت؛ بازنشستگان و مستمری‌بگیران تأمین اجتماعی در مقابل ساختمان سازمان تأمین اجتماعی تجمع کردند تا اعتراض خود به گرانی و تورم سرسام‌آور، هزینه‌های بالای درمان و عدم تحقق مطالباتشان را اعلام کنند.

شعارهای بازنشستگان رشت:

«کارگر زندانی آزاد باید گردد»

«معلم زندانی آزاد باید گردد»

«تا کی دروغ به ملت، مدعی عدالت»

تهران؛ بازنشستگان و مستمری‌بگیران تأمین اجتماعی مقابل ساختمان سازمان تأمین اجتماعی تهران تجمع کردند تا اعتراض خود به گرانی و تورم سرسام‌آور، هزینه‌های بالای درمان و انحصار دولت در اداره سازمان تأمین اجتماعی را اعلام کنند.

شعارهای بازنشستگان تهران:



«دولت ورشکسته، برای بازنشسته شمشيرو از رو بسته»

«وزير رفاه با دولته، دستش تو جيب ملته»

«بیمه‌های تکمیلی، يه دزدی تحمیلی»

«نوبت ما که ميشه، خزانه خالی ميشه»

«معلم کوردستان، حمايت می‌کنیم»

«معلمان کرمانی، حمايت می‌کنیم»

«مسعود فرهیخته آزاد باید گردد»



تجمع و راهپیمایی اعتراضی کارگران گروه ملی صنعتی فولاد ایران در اهواز

کارگران گروه ملی صنعتی فولاد ایران در اهواز در اعتراض به پرداخت نشدن حقوق و مزایای خود دست به تجمع و راهپیمایی اعتراضی زدند.

دوشنبه ۳۱ شهریور

!ذوب‌آهن شاهرود روی لبه تعطیلی

کارخانه ذوب‌آهن شاهرود در آستانه تعطیلی کامل قرار گرفته؛ ۳۰۰ شغل مستقیم نابود می‌شود و صدها خانواده به خاک سیاه می‌نشینند

کارکنان معترض می‌گویند: سال‌ها جان‌کنديم، امروز نتیجه‌اش بيکاري و فقر است! نه مدیری پاسخگوست، نه دولتی به داد می‌رسد



روز دوشنبه ۳۱ شهریور تظاهرات سراسری بازنشستگان مخابرات در بسیاری از مراکز استانها و شهرهای کشور از جمله

در فارس، کردستان، همدان، کرمانشاه، آذربایجان شرقی، گیلان و برخی دیگر از استانها گسترده‌تر از هفته‌های پیش برگزار شد.

شرکت کنندگان در اعتراضات خیابانی خود خواهان اجرای کامل آیین‌نامه ۸۹، به روزرسانی خواربار و رفاهیات فریز شده و مشکلات مربوط به بیمه تکمیلی همسان‌سازی حقوق خود با همکاران شاغل شان شدند

چاره کارگران وحدت و تشکیلات مستقل است!

همه با هم برای آزادی زندانیان سیاسی و کارگری متحدانه مبارزه کنیم!

از مبارزه کارگران و مزد و حقوق بگیران شاغل و بازنشسته برای افزایش دستمزد حمایت کنیم!

از مبارزه کارگران قراردادی و پیمانی برای لغو کار پیمانی و قرارداد های اسارتبار موقت حمایت کنیم!

***برای تماس با نشریه "جنگ کارگری" می توانید با آدرس زیر تماس بگیرید:**

***"جنگ کارگری" نشریه گروه کار کارگری حزب چپ ایران را می توانید در آدرس زیر ببینید:**

<https://bepish.org/taxonomy/term/457>